A Study of the Concepts of Patriotism and Resistance in Khalilullah Khalili’s *Diwan*

Moslem Nad Alizadeh ¹*
Assistant Professor of Persian Language and Literature, Ahlul Bayt International University

Hawa Rahimi ²
PhD Student of Persian Language and Literature, University of Guilan

(Received: 11/12/2019; Accepted: 29/02/2020)

**Abstract**

Patriotism is one of the most important issues that contemporary Afghan poets have spoken about on various pretexts. Khalilullah Khalili is a patriotic poet and the leader of contemporary resistance poetry in Afghanistan whose patriotic themes make up a significant portion of his poetry. The published researches on Khalili’s patriotic poetry so far do not seem sufficient; the present article, following a brief introduction of Khalilullah Khalili and a brief review of the history of resistance literature in Afghanistan, uses a descriptive-analytic method to examine the concepts of patriotism and resistance in Khalili’s *Diwan*. The present study identifies concepts such as love for the homeland, awakening, freedom seeking, colonialism, invitation of Muslims to unite against foreigners, rejection of despotism, praise of the Mujahideen and warriors, description of the woes and problems of society caused by war, depiction of displacement of people and the country’s chaotic situation, expression of the difficulties of migration and the suffering of the diaspora are the most important themes of Khalilullah Khalili’s resistance poetry.

**Keywords:** resistance literature, contemporary Afghan poetry, Khalilullah Khalili, homeland, patriotisms.

---

¹. *Corresponding Author: nadalizadeh@abu.ac.ir

2. hawarahimi1395@gmail.com
بررسی مفاهیم وطن‌دوستی و مقاومت در دیوان خلیل خلیلی

سلام نادیلی زاده

استادپرور گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بهنیههان (بهنیههان)

چکیده

تعلق خاطر به سرزمین مادری از مهم‌ترین موضوعاتی است که شاعران معاصر افغانستان به بهانه‌های گوناگون در مورد آن مطرح می‌کنند. خلیل خلیلی شاعر وطن‌دوست و سردبیر شعر مقاومت افغانستان در دوران معاصراست و مصافی وطن‌دوستانه بخش قابل توجهی از اشعار او را به خود اختصاص داده است. پژوهش‌های متعددی در مورد اشعار میهنی خلیلی‌ها تاکنون کافی به‌نظر نرسیده‌است؛ نوشته‌های حاضر پس از معرفی مختصر خلیل خلیلی و موری کوتا بر تاریخچه ادبیات مقاومت در افغانستان، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به بررسی مفاهیم وطن‌دوستی و مقاومت در دیوان خلیلی پرداخته است. در این پرسشنامه مشخص شده است که مفاهیم همجین عشق به وطن، بیداری، آزادی‌خواهی، استعمارشناختی، دیدگاه مسلمانان به آنها در برآوری یکسانی نیافته‌اند. نیاز به بررسی و تأصیل مفهومیان رزمدلگان، شرح مصائب و مشکلات جامعه شبه‌نظری که بیان شده باشد می‌باشد. همچنین رنگ‌های غربی، مهم‌ترین مصایب مفهومی شعر مقاومت خلیل خلیلی را تشكیل می‌دهند.

کلمات کلیدی: ادبیات پایداری، شعر معاصر افغانستان، خلیل حلال خلیلی، وطن، وطن‌دوستی.
1- مقدمه

طن به سرزمینی با مشترکات قومی، فرهنگی و تاریخی اطلاق می‌شود و افراد ساکن در آن، با یکدیگر هم‌وطن‌ساز می‌شوند.

پاسدار سرزمین خوشین است. وازه وطن در ادیت‌های اولیه در مبانی گوناگونی به کار رفته است و از قرن سوم هجری تا امروز در اشعار بیشتر شاعران فارسی زبان دیده می‌شود؛ در سپید خراسانی، وطن بیشتر مفهومی قومی و نژادی دارد و شاهامه.

فردوسی گروهی از این شاعران است. در سپید عراقی، وطن مفهومی عرفانی به خود گرفته، در مبنای عالم‌نامه و عالم ملکوت به کار رفته است و در سپید هنی زین وازه علاء بر علایق ایپی ما: زادگاه، شهر، عالم بالا و... در مبنای مفهومی با جایی که معقول در آن زندگی می‌کند نیز کاربرد یافته است.

1-1- اهداف، بیان مسئله وس

هدف این پژوهش، بررسی اشعار وطنی در دیوان خیلی الله خلیلی است. این توقیفی به‌شیرین این شاعر بزرگ معاصر و نیز آگاهی دقیق از وضعیت شعر معاصر افغانستان خواهد انجامید. ابتدا چاپگاه و طنزی در شعر معاصر افغانستان مورد بررسی قرار گرفت و آن‌گاه به چگونگی برداخته و به مقام‌ها و نوستوز در دیوان خیلی پرداخته شد.

از این رویکردها اصولی ارائه آن است که عشق به وطن، چگونه در اشعار خیلی الله خلیلی بازتاب یافته است؟

2-1- پیشینه پژوهش

چهارمین و ششم (۱۳۴۹) در مقالاتی با عنوان «مجله خیلی: شاعر بی‌پای»، به موضوع بی‌پایی و پایداری در اشعار خیلی برداخته و چهارمبار ادیت معاصر افغانستان معرفی کردند. مولاژی (۱۳۸۳) مقاله‌ای را با عنوان «بند خیلی» نوشته که بیشتر به معرفی شعر برداخته است. سلطانی (۱۳۸۵) ایام‌نامه حمید این موضوع انسا صورت خیال در شعر استاد خیلی؛ به بررسی صور خیال در اشعار او برداخته است. چانگکه ملاحظه می‌شود، وطن‌های در شعر خیلی الله خلیلی تاکنون مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است که پژوهش حاضر، برای انتخاب به این موضوع خواهد پرداخت.

2-1- ضرورت پژوهش

ادیت‌های معاصر افغانستان، به خصوص مهارت ادیت‌های اصلی فارسی معاصره به شمار می‌رود. تحولات سیاسی افغانستان در سده‌های نو، موجه‌گیری گسترده شاعران و نویسندگان این کشور به ادیت‌های پایداری شده است. از جمله مشایخی که در این نوع ادیت چاپگاه و پایه‌های دارد، وطن دوستی است. برای شناخت بهتر شعر معاصر افغانستان، بررسی مشایخی که در شعر شاعران افغان مورد توجه است، ضرورت دارد.

2-1- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحملی است و داده‌ها براساس مطالعه و فیش‌برداری گردآوری شده‌اند. نگارنگان پس از مطالعه کامل اشعار شاعر و استخراج اثبات مربوط به موضوع، به دست‌بندی فیش‌ها پرداخته، آن‌ها را تحمل کرده‌اند.
2- مبانی نظیری

یکی از جز stav تن در گونه‌های ادبیات معاصر، ادبیات پایداری با همین ادبیات مقاومت است که در مورد آن تعاریف گوناگونی صورت گرفته است. این نوع ادبیات با وجود انکار بزرگی که طعم گنج را داده‌اند و در راه فساع از سرمایه‌ها، فرهنگ، آزادی و استقلال می‌باشد از خود استادگی شناسان داده‌اند. به رشد و بالاگردن نقش‌گویی رسیده است و به آن‌ها اطلاع می‌دهد که تحت تأثیر شرایط چون اختلال، استیاد داخلی، نوبت آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گری و قانون‌های پایگاه‌های قدرت، خصوصاً سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرد. بنابراین جان‌بایی این آثار، ادبیات با بیداری داخلی یا تجاوز پیروی در هم‌حواله‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و استادگی در بررسی مفاهیم و قلموسی و مقاومت در دیوان خلیل الله خلیلی/ سلمان نکذی/ زاده و حوا رحیمی

شاعر مقاومت و پایداری، گذشته‌ها و حال و جهانتوی، ملّت و سرزمین‌ها را پیونده می‌زند و رسنال‌های برای نسل فعلی و آینده تمیل‌هایی از زندگی آزادانه و رخ‌داری‌ها را در شعر شناسایی می‌دهد. شاعر مقاومت، گاهی با توصیفی از صنعت‌ها و فرهنگ مردم، گاهی با تغییرات نهان و گاهی هم، چون معرفی اسرگیر می‌باشد که فقس منابع و سرود آزادی سر متده (کریمی و آرمین قبیری، ۱۳۸۲: ۱۴۳).<br>ثنیه‌ها و یک‌سرهای پایداری برای رسیدگی به هدف زندگی معنی‌دارانه، (امیر خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).<br>در حقیقت شعر و ادبیات پایداری یک ملت، به یک است برای حفظ و پاسداشت فرهنگ، آزادی و افتخارات آن ملت که برای نسل‌های زینتی مورد در تلاش است در مورد تاریخی‌های ادبیات پایداری می‌توان گفت: تاریخ ادب مقاومت جهانی ریشه در گذشته‌های دور دارد و تاریخ‌نگاران در حقیقت همان تاریخ ادبیات جهانی است، چرا که شعران و نویسندگان معتقد هستند از همان آغاز در کنار مردم مبارز و عدلیات و خواهان آزادی و برابری بوده‌اند (ترابی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۹: ۱۵). تفکر در واقع مقاومت و بیداری هنگامی که جامع شعر و ادب، بنده از وادی از وادی نهاده، تأثیر آن بر فرآیندهای بشری نیز، یکی از جمله مقاومتی که در ادبیات پایداری، اهمیت فراوانی دارد، مفهوم (وطن) است، وطن در لغت‌نامه‌های عمومی به جای باشند مردم، جای آقایت، مقد و مسکن، جایی که شخص Zak آب و شیرین می‌کنند و پرورش طبیعی باشد، زادگاه، جای برخور و کمیسیون (دهخدا، ۱۳۸۲: ۱۳۸۹: ۱۴۵۰۲) معنی به‌کار ایا یا به‌سرزمین یا به‌سیری‌های اطلاع می‌شود که قرن‌ها مردمی باهم در آن زندگانی کرده، غم و شادی، نکته و به، رنگ و راحت آن را هم دیده و آزموده‌اند و به‌صورت تاریخ، مهمترین آن واقع بیان‌یابی مجسم شده است، وطن نزد علوم و در ادبیات قدیم به معنی محل تولد و سکونت دارد، است. مهم‌ترین حضور که انسان از لحظه شکایت و توهینا بدن علاقه‌مند. است، یا در دندان‌نبه و نشون‌نگار کرده است و دو طریق نیز در هر یک آن است (آقایخشن و افشاری‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳: ۱۴۳) بنابراین در اثر ادبیات بعد به‌ویژه دوران

55
کتاب مرجع، وطن و مفاهیم مرتبط با آن مانند آزادی، مبارزه با ظلم و استبداد، عدلیت و... مورد استقبال قرار شویان و نوشته‌گان قرار گرفت؛ جانبه به گفتگو شفیعی کدکی، رئیس انجمن شفیعی، میهن‌پرستی بوژیان به یاد آوردن

2- چاپگاه وطن‌دوستی در سیر معاصر افغانستان

از نظر تاریخی شعر افغانستان شعری است درون گروه افراز و بیشتر وابسته به دستگاه‌های حکومتی؛ بنابراین وقتی در شعر مقاومت و وطن‌دوستی، به سراغ ادبیات سدید پیش افغانستان می‌رویم، یافته‌ایم که بتوان آن را شعر مقاومت و وطن‌خواهی نامید، بهدست نمی‌آید؛ مگر بعضی ترانه‌های عامیانه و تصنیف‌های حماسی مردم، که نمی‌چنین سطحی از آنها در ذکر و کتاب تاریخی یافته‌اند است؛ هم‌زمان با نهضت‌نامه‌هایی شرطبی در افغانستان، ادبیات افغانستان تا در روزگار حکومت امیر حبیب‌الله خان (۱۳۷۸-۱۳۹۸) رونت یافت.

مماسی شعر معاصر افغانستان، متأخر از وضع سیاسی یک کشور بوده است. فضاهای عمومی شعر، همان فضا ادبی عمومی حاکم بر کشور، یعنی جنگ و پایه‌های آن (مقاومت، بازداشت، عزل و اعدام، مراکز، ورزش، یک‌سرما، بازار، نسل، تنها و...) است؛ به‌یک دیپ نقشه سیاسی، مادر تغییر در تمامی جهان‌های دیگر است و تأثیر آن بر تمامی شوینده‌ها از جمله شوینده فرهنگی و ادبی و شعر در طور، دیده می‌شود.

در هفتم نور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ ش، کودتا به ماهیت مارکسیستی و با حمایت شوروی در افغانستان به وقوع پیوست که منجر به سقوط حکومت داود خان شد. این کودتا با ماهیت ضرب‌الریز، طالبان در حضور جنگ‌های عمومی را در سراسر کشور به دنبال داشت و تمام مردم را به جهاد علیه شوروی برانگیخت. مردم افغانستان که سال‌ها پیش برگزاری گردید استعماری جهانی انگلستان را به زانو در آوردند، این بار نیز با پایداری کم‌نظری خود در برابر انقلاب‌های بزرگ سقوط شدند. اثر سرخ شوروی را در سال ۱۳۶۸ ش، از سرزمین‌های خود برانند. این اثر، می‌توان گفت که گرایش‌های ادبیات پایداری در شعر افغانستان، به قبیل از سال ۱۳۷۶ ش، حرکت می‌گردد هرچند به صورتی بارز و مشخص، شعر پایداری بعدها از کودتا تحت نور ۱۳۵۷ ش، در سروده‌ها و نوشته‌های ادبیات نهایت از این میلاید.
به نوشته علمزاد «رهایی شعر از قالب‌های سنتی عروسی و تندیکی آن با زبان مدرن، اقتباس در شعر معاصر افغانستان بدید.

آورده است که باید تلاش کرد تا به‌طور کامل و انسانی تجربه‌هایی که در سه قرن و نیم اخیر در ایران مطرح شده، به‌صورت تعلیمی بازرسی شود.

تأسس روزنامه اسلام جامع در حقیقت آغاز اولین سالنگاه جوانان در ایران است که در نهایت به بخش مشروطه ختم شد.

طرح‌های نوین‌دادن آثار افغانستان در این قرن می‌تواند با عناصر سیاسی و اجتماعی غرب آشنا می‌کرد و افرادی بر ترغیب افغانستانی‌ها در پیش گرفتن راه پیشرفت و دویز از سر و غفلت، زمین‌های آزادی خواهی، منهم دوستی و مبارزه با استعمار به‌بیانی مدرن و حساسیت‌های جدیدی.

شعر افغان با الهام از مقامات خستگی‌ناپذیر مدرم و حساسیت‌های معنی‌دار، به یک ریزی گردید و به‌بیانی شعر مقامات افغانستان با تجاویز رهایی امکان‌افزای جامعه شوروی آغاز شد و آغازگر آن هم بود که در اثر عصر خوشبختی، خانه‌ها روش‌نداشت (نَمْعَرطی، 1936: 77). نظریه فوق‌العاده از پیرمرد و دوستی بود که جلگاه از آن غیره بود. نگرشی که در ابتدا به‌سیرین بررسی‌های آمریکا به‌صورت استفاده می‌شد و نخبگان و ادبیات ادبی نسبت به این حادثه را در قابل اشاره پریستار ایران از داشت. نخبگان شعرهای جهادی که به مانند شعر مقامات به افغانستان رسید، از استاد خلیلی بوهدی مانند مستند آی‌ای و تروه، وERNOW نجات و عوضات، مخاطباً خواهی، مه‌هندوستی و مبارزه با استعمار سر می‌داد (همان، 1370).
چهارمین و ششم، ۱۳۹۳: ۱۳۵/ هر خلیلی در آغاز اقلیت‌سازی اسلامی افغانستان یعنی در دوره سوم زندگی اش، یک سرود خدایی در خدمت اقلیت‌بندی و مبارزه با مجاوران روس و دست‌نشاندان آن‌ها قرار دارد. اشعار اقلیت‌سازی این شاعر دلسوخته از سوی شمخاصی‌ها و سازمان‌های جهادی، بلافاصله پس از سروه‌شدن در جراین کوچک منتشر می‌شود و در صفحه‌های بانکی، دست به دست صورت گرفته‌اند: "اش‌شیخ وی از تم موج‌ها در این اقوام پیاپی (۱۳۸۳): ۱۳۸۶.

عبدالفؤدآرزو در دیار خلیلی و جایگاه آن در شعر معاصر افغانستان می‌گوید: "شاخص ترین وجه شعر افغانستان در تاریخ معاصر، شعر مقامات است و خلیلی در سال‌های پایانی عمر شعر در این میدان یک‌پایی کرده" (پی. زاده، ۱۳۸۳: ۱۷۶). با توجه به پنهان‌ماندن زوایای مختلف مقامات، مفهوم وطن و ارزش‌های ملی در شعر خلیلی، در ادامه به بررسی آن مسأله در سروه‌های وی خواهیم پردیخت.

۱-۲-۱- وطن و وطن‌پرستی

خلاصه که به‌این، از عمر خوی در آوارگی و تبعید گذشته، مطمئن علیه مقاصف، مفهوم وطن و قیصری اکثریت بانکی، و گذرانده‌ای و رفتار خود و قرار داد و این امر در اغلب اشعار اشعار منفی‌گر، داند خدای که بعد خدا می‌پرستم

چون برخی زیان، هم جا می‌پرستم

(خلیلی، ۱۳۸۵: ۲۳۹)

انتهای مهن شت در وجود خلیلی تا اندازه‌ای است که اوضاع و احوال و عبادت و عروج و وطن‌ها دارد، خلیلی خود را نیست و نابود می‌انگردهد، از چرا کشورش در شرایط نابسامان جنگ و نامی به مرد

کشور در انک و خون، من لف هستن ای دریغ

دوستان! من نیستم: من نیستم... من نیستم

(همان: ۱۳۸۵)

۲-۲-۲- تصاویر و اشاره‌های شاعر از وطن

جانشی‌ها یادآور شدن سایش وطن و توصیف علائم و زیاتی‌های آن، از درون‌های اصلی شعر خلیلی است که از اثرگذاری زیادی بر مخاطب بروخوردار است. او وطن‌ها جایی است که اهمیت، نرخ، هنر، قلم برآورد، نه درآورد، ظاهر محبت و مایه برکات می‌داند. کریکل. خلیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۶ و ۱۳۷ و نیز میراید

کشور ما ثور از ابرام ایمن بوده است

خاطرات عشق و خلوتکه عرفان بوده است

(همان: ۱۴۳)

او خاک و وطن را از جان خوی، بالارزش تر می‌داند و گاه آن را به مادر، بهشت و کوه تشبه می‌کند:

۲-۲-۲-۱- کوه

زن مبارک شهر من، زن شهر آق انسان من

کوه یک کوه است، هم آن تو و هم آن من

(همان: ۱۸۹)

۵۸
پرسی مفاهیم وطن‌دوستی و مقاومت در دیوان خلیل‌الله خلیلی/ سلمان نادعلیزاده و حوا رحیمی

ای کیسه عشق و خانه شوق
بي نام تو مهو باد نام
خار نزو کلتن چهاران به
(هیام: 147)

خانه کیسه، مقدس ترین مکانی در اسلام است که قبیله مسلمانان بشار می‌روند و هر سال دهها بیلیون زائر به دور آن طواف می‌کنند. تشبیه وطن به کیسه، نشان‌دهنده احترام ویژه خلیلی به این مفهوم دارد که گویا گویی وطن خویش را می‌آورد. وطن و آن را مقدس می‌شمرد.

2-2-2-2-مادر

الا فرشته او مادر بهشت فرین
(هیام: 136)

آن که یک مرد بزرگ، داماد یک لبنان
(هیام: 719)

هنیه بهتر دادهای، شیر تو را قاسم
(هیام: 381)

بندر با گرم به دامان کوره
پرورد آن چنان به پرورد مادر
با هیچ جرف هر زه نیامد دفتر
(هیام: 171)

وطن انسان در حکم مادر اوسط. آدمی همان گونه که در دامن مادر خویش پرورانده می‌شود، در دل زادگاه و وطن خویش نیز رشد می‌کند و عقیده مادرین احساسات خود را نسبت به پرورانده خویش دارد.

2-2-2-3-پیشت

ای غرفه خون و انگک تها وطنم
ای وا وطنم، وا وطنم
(هیام: 380)

بهار آزوی ما پیشت حاوان ما
(هیام: 440)

درجنا در و دشت و دردیا ما
(هیام: 625)

پیشت وطن مهد آبای ما

بهشت، زیباترین مقصد و مجموعه زیبایی گو و آزوهایی است که در اندیشه هر انسانی وجود دارد. خلیلی با نشیه وطن به بهشت، جاگاهی والای یا مفهوم را گویی داده می‌کند.
توصیف طبیعت وطن

رکن طبیعت در شعر خلیلی به زبان زبانی نمودیا به تابعی تاریخ کشور افغانستان آشتی می‌سازد. از توصیف عناصر طبیعت بهره می‌گیرد تا رویه‌های وطن خود را علیه استعاره برانگزاری. خلیلی انسان درد و رنگ است و پیشرفت اشعار وی، بعد از توصیفات و تشبیهات زیبای کوه‌های و سبزه‌های وطن، یایاً باید کرد درد و رنگ حاکی از اوضاع نامساعد می‌هنگی و تقویت روحیه وطن خواهد و پیگاه‌سازی هم وطن‌نشینی پایان می‌باید. مانند ایتات زیر:

آن زیبای خرمش خرد باد جان بخش بی‌باز
از زینت گوری به جای سبزه می‌رودید. زر
آن جمار گردن‌فرازش که هر شب می‌گرفت
بوی کن بالا بر سیاه می‌رسید.

داستان خوش‌السیر بر خورشید یک جهر
و صف آن مادر که به سوی سپید آویخته
حال آن مردی که از جام شهادت سرکنید.

(همان: 159)

خلیلی در قصیده‌ای به نام "بوهار در جذوع" از طبیعت بی‌بیپ و ریمپام وطن‌نشینی که گشود و مردم به آغوش طبیعت سربیز افغانستان بزرگ‌شدند.

کوه‌های سهره از برف سپید است، سپید
سایه و روشن‌نشان سایه‌ست است و نیبید
ماسی و حوال و غم و شادی و پاپ و ایند

(همان: 146)

هدف شاعر از بیان زیبایی‌ها و جلوه‌های سربیز طبیعت، یادآوری این نکته ظرفیت است که خدا کشورش بدن حضور استعمال‌گران می‌تواند سرشان از نشأت بی‌باید ولرم نیست که هیچ فردی رنگ غربت و آوار گی را تحمل کند. این افکار روح‌نواز آن قدر ذه و جان خلیلی را نشاط بشنوید، است که برای لحظاتی حقاقی مبهشم را به فراموشی سپرده‌از رنگ و

هم وطن محبوب خوش‌السیر فرهنگ گرفته است؛ ولی فجایع و مصائب سربیز افغانستان آن جان روح شاعری را آزادی کرده است که بعد از این افکار و روزهای زیبای خود، بلایالله به پاد آندو و یاس‌گذشته و حال وطن می‌افتد: زبان به سخن می‌گشاید و

از اوضاع تلخ سربیزشین‌انotch کنند.

با بیان داستان که عشق به وطن و درد و زنگی و اشعار و آثار خلیلی مفهومی بسیار گستره‌دار و نکته‌های جدیدی‌ای -سیاسی و مردمی نکته‌های نزدیکی‌ترین روابط تاریخی، و مردمی نکته‌های نزدیکی‌ترین روابط تاریخی، و

سیاسی، اجتماعی و استراتژی، علاقوی دینی و مذهبی و شیعی و مسلمانی و غرب و سرزمین و یک دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در در می‌بنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گنج در و آسانی صنیع، و و سویا در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که دو دوران در می‌بیند، که

دبیران، برنامه‌های وطن و همه از سویا در می‌گجو
ب ромسي مفاهیم وطن ودوستی و مقاومت در دیوان خلیل الله خلیلی/ سلمان نادعلیزاده و حوا رحیمی

فضا از آه منظورمان چرا ابی قیرگون یآی
نیماه! جهتی دیوی عیوب مرک در سفرت
با مادر چنان داده میان آن و آهن
با طقف گرسه دور زاده امادها
صدای دردمانه است گر باگی به گوش آید

چرا تا جنگ تکبیر و جاهرهای خون آشام
یکی را بیف بر سبیل یکی را بر چشمان
ز توی پریسم افکار! گوئی قرن‌ها ای ماه
شما دیدید آیآ یزیر سیماب کون خرگاه

او که از جنگ، نامی، ظلم و استبداد در گنبداری رنگ برده، آرزوهای خاطر و مول است، همه چا و همه چیز زا یابه رنگ

جهان در دیده‌دم دریای خون است
چمن خون، دشت خون، درد آپار از خون

(همان: ۱۴۲؛ ۱۳۳)

۵-۴-۲ توصیف و تشویق مبارزان و افتخار به آنان

خلیلی کوشیده است در اشعارش با ساکین مجاهدان، عرق وطن دوستی، پاسداری از خاک مهین و لازم برای رسیدن به وضع مطلوب را در مردم کشور خود ایجاد و آنان را از حواض غفلت بیمار کند. او در لاپیاز اشعارش داوری‌های رزمگان را می‌ستاید و به طور مواجه، پاسدار و مبارزه با قدرت متجاوز و تقابل با کشتی و تربیت می‌کند تا به این ترتیب، انجیزه بی‌شکی به مبارزان برای دفاع و رفتن به میدان جهاد برخست. در اشعار زبر، خلیلی هم به ساکین مداران مبارزی مپردازد که خوردن در میدان جنگ با دشمن حضرت داشته‌اند و هم مادران چهارمنی را می‌ستاید که حاضرند جان

فرزندانش را برای حفظ استقلال و آزادی و حاکمیت ملی قریب کند:

سیاه ملت افغان سیاه رحمان است
سیاه ملت افغان سیاه آزادی است
سیاه ملت افغان سیاه است
سیاه ملت افغان سیاه معمر
شوش زسیگ آراگمن که می‌آید
که باد بومی نورهای ای فزند!

(خلیلی: ۱۳۵، ۱۴۳)

در نمونه‌های زبر، سعی برای توصیف مردم مبارز سرزمینی از وازه‌های مانده: پلنگ‌ها، ازده‌ها، مار و شیر که همه نماد قدرت و شکست ناپذیری هستند، استفاده کرده است و به دشمن هشدار می‌دهد که نیاز برای چه‌چسبان بر سرزمین چنین

مردمی، به‌هوده است:

ب حواگاه پلنگن به هرزه زار محمود
قبایلی که بود فرنها به خوده ثابت
ب انتکان چه زنی بر دهان مار اکشته?

(همان: ۱۸۵)

۶۱
اتناف از قدرت طلبان و سیاست پیشگان

خلیلی که علت خبرسوزی‌های تکراری سیاسی روزگار خویش از طنین سیاست و فضای سیاسی حاکم در افغانستان آگاه بود، آگاهی و آگاهی قدرت پیشگانه داشت. در این حال، گسترش و یپیدایی روزگار خویش دیده شد. کردن سیاست و لزو افرازی آگاهی نتوانید به جهت مبارزه با آن، سنگین همچون بود که ذهن خلیلی را به خود مشغول می‌کرد و سپس می‌تواند شک آن اشعار قربانی به تحفیق همبستگان و اتحاد آن‌ها در برای دشمنان میهنیش پرداخته، در اشعار با یکی از جامعه‌ای، بدون هیج گونه مجازات کاری بر مداخلات سیاسی و امینی، زبانه به میثاق دولت‌های استعماری می‌گوشد و به اطلاعات مقاومت پیش آن‌ها می‌پرداخت، با انگیزه انتقاد از سیاست و سیاست پیشگان از مضمونی عمده شعر وی محصول می‌شد. برای نمونه در این خصوص، شاعر به سیاست‌مداران که مشاهده جنگ‌ها و خونزی‌های عالماند، با لحنی بی‌پیار به دنبال آن، آنان را خوک خوانده است:

این سیاست پیشگان شوم با افکار خویش
گیرمتر سازنده هردم عرفة یک‌تا خویش
گر به کلن، جان، جهود همان مدارد خویش
(همان: 154)

خلیلی در توصیف استعمارگران و دشمنان از وازگانی مانند مار، عقرب، گرگ، کتفان، خوک، هیپ، بهره می‌برد که شناخت آن‌ها از زیر می‌آید، اما تنفیذ این نظریه در همه‌پردازی است و آنان را مایه بيدختی وطن دانسته‌اند:

معمار تن سپاد، جنون، نبان آن خاک و خوین
زیر مصلح، کتاب جهان، آهن دل و آبینه، رو
آن یک نمونه راه گم، کچ کرد وزنکار درم
از این دو نبیو، شبی، شب هم جون زیبکه
(همان: 94)

شاید تعلیمرئین خلیلی در مورد سیاست‌مداران، ریشه در خصوصت دیرین و با آن جامعه داشته باشد. جانیچه گفتنی، پدر خلیلی در جریان درگیری‌های سیاسی دربار، در طلایه حکومت امانت الله خان، کشته شد و شاعر، به مصادر بیدر گوشی و تخم کن کاشی، در جریان مبارزه با حکومت امانتی در کنار مختاریان وی قرار گرفت و با سقوط یو بر اثر توطئه‌هایی، به سختی و در دسته‌ای ازاد و جلوی وطن کرد (چهاردانه و شفق، ۱۳۹۳: 41). اعتقاد به ظهور نجات‌دهندهای که در آخروزمان بر ظللامه‌ها نیز است و انتقام حقوقی امامزاده مظالمان را از فاسدان و گردنه کشتنی می‌ستند، در اشعار خلیلی با وجود سی مذهب بودن و دیده‌شدن و که در ضمن ادبیاتی، نهایا راه سرگونی متقاوزان حرم کشور را ظهور مینی کرده‌اند که به زعم وی، روزی خواهد آمد:

بی‌ایستاد حقیقی انتقام کریبی روز
سگون کن پرچم منحوس او را از فضا روزی
جهان را پاک کن از لقه این اشقا تروی
(همان: ۱۳۳۶)

اتناف از قدرت طلبان و سیاست پیشگان

آنان در آن درد و پرهرز از نفیه
با آنکه مردم افغانستان مردمی دیندار و معتقد به قرآن و اسلام هستند و با آنکه قرآن اساس هر گونه بی‌تری جویی را نفیز

۶۲
بررسی مفاهیم وطن‌دوستی و مقاومت در دیوان خلیل الله خلیلی/ مسلم نادعلیزاده و حوا رحیمی

می‌کنیم، این برتری جویی‌ها هنوز هم در افغانستان مشاهده می‌شود (چهره‌های بحرینی، 1390). خلیلی پیوسته از تفرقه و جدایی مردم افغانستان برند میرود و تفرقه‌افکارها را سیاست استعمار می‌داند. او در بیت زمان، هم‌آموز افغانستان را به آهنگ ستاد نشان می‌ده.

اثغیه فرا خوانند:

تو چگونه یک بک آهنگ شو، سیاسی با قوای دیگر دماغ دشمن‌ها مقرور و خوارد را بشکن؟ هزاره کیست؟ پلیسی کیست؟ تاجیک چیست؟ از کجا چیست؟ تو چگونه فرزنده‌ای را شعار بسازد جز توجیه ز محترم محقق رپرچم کف‌زار بر خاک سرآزاد کن‌دند توحید شد بسیر ناگه‌هاهای دار را بشکن

خلیلی قدرت فردا (آینده) را در هنگ به خرج دادن و حفظ وحدت می‌داند و می‌گوید:

قدرت فردا سار هشت هشت امرز ماست همچنین کامروز ما اوردروم ماست (همن: ۴۹۰)

۲-۲-۸-ایمان به خدا و نصرت الیه

ایمان و اعتقاد داشته بشه اینک بپروری در راه خدا و وطن حتمی است، در اشعار خلیلی به چشم می‌خورد. وی بازی‌های است که مسلمان باید آزاد باشد و به هیچ عنوان در زندگی خویش سر تعظیم پیش کسی برو تبارد؛ چنانچه در نمونه‌های زیر مشاهده می‌کنیم:

فتحات پیکار با دست تحقیق
خبرگویان به‌سرند حیات
نیا به وصف دوستان خوانده سرود
(خلیلی، ۱۳۸۵: ۴۳۴)

شاعر در وصف ملکشاه از غزات نفسی سخن می‌گوید که موجب شده است تا آنان هم‌نیا در برابر دشمنان تسهیل نشونده و تعظیم نکند، بلکه حسی در وصف دوستان نزدیک‌الله در مقام فوق‌العاده به سخن نگشانند. همچنین در ایناه زیر، وی با اعتقاد به اینکه دست تایید خخاشند با وطن و مردم است، می‌گوید که ناید از دشمن تشوشیش داشت:

حققت با تو با نآم شکوه کریبا با توست
تأهل کن به خود یکدیگر بگیر تا چه‌ها با توست
(همن: ۴۶۲)

به واز خلیلی چشمه‌های آزادی خواهر در افغانستان برای لیل به پروزی بایش رنگ و بویی دینه به خود گیرند و مسوی‌نیا

آزادی و آزادی خواهر از جمله مفاهیم پرگزار در ادبیات پایداری و نیز اشعار خلیلی است. از دخالت استعمارگران در

۶۳
امور کشورش تاخدشوند است و فریاد آزادی و عدالت خواهی سر می دهد. در ایام زیر، خبری با صراحت به سناچی آزادی پرداخته و آزادی گی را شرایت شرایط و نشان آسیای مسلمان بودن می دانند:

مکت و آزادی و ایام شریف انست
نیست مؤن مکه بی آبین غلامان باشد

شاعر، مبارز بهار و تابستان
۱۳۹۱ (پیاپی 6)

۲-۱۰۰- بیداری: راه نجات ملت
خلاص در جاییگاه یک ادب نوینی چی، به انقاد از وضعیتش یا نهي کشور خود و سکوت حکام دستنشانده در برادر اصل نهاده است و تنهایش نهاده نیت در پل نیست و راه ایمان و ففلکاری و آزادی
تو را مادر به شیر گرم داره پرورده
ز عهد کودت ششم جهادر پروده
دبستان بزرگ سند اخبار پروده
(همان: ۴۲۱)

۲-۲-۲۱- یتیگان سنتی و دعوت به جهاد
خلاص در اعرابه از دخالت بیگانگان گرفته پیادامی وطن، اصل دفاع از اسلام را نیز منشأئش ودست است و هم واریز
منظمز به چنگ و ملاقات در پرهای بیگانگان می نگرد و جهاده و شهادت، را مانوسی نرین عناوین برای توصف
جان فاشیه هر ملت سنت. تاریخ ادبیات معاصر افغانستان، تأیید اشعار حمامی و ییادامی اسکندر خلیلی در
جبههای جنگ مجاهمین با روس ها فراموش نمی کند که خود، نوعی حماسه آفرینی است، (کرمی و آرین عفیقی، ۱۳۹۶: ۲۲۲)
بررسی مفاهیم وطن دوستی و مقاومت در دیوان خلیل الله خلیلی / مسلم نادعلیزاده و حوا رحیمی

آفتاب عزت مؤمن به جز اسلام نیست

آفتاب عزت مؤمن به جز اسلام نیست

قسم خورش دیوان به گیه، پیش‌رفتی است

زمام خویس سپرد به گیه، پیش‌رفتی است

بندهیق در نسانم سر نیاز به بایین

که جز حرم دل خویش سعدگاه ندارم

(خلیلی: 1385: 691)

فک و خواش، پنداز دکتر افغانستان است

هرنیه چون خود، فکر حس دارد، طبیعیه را، بازخوانی، از مردم خود دارد

سادات. وطن باید خلیلی بسیار ارزش‌مند است و بیاور این دست بی‌گناهگری از وطن کشور کرد.

وطن دار دلبر من، بنام چشم مستحکم یا

به خاک افتک، به خون مرگ، به بادش چه، به آتش سوز

(خلیلی: 1385: 457)

او در غزلت به نام «زور امتحان» به شیوه حساسی و هرم‌نماده، با یادآوری ریش‌دادهای شهیدان وطن، عرق «ملی» جوانان را در دفاع از سرزمین‌ها به چالش می‌کند:

کشور آزادگان ناموس‌گرها فخر توست

جذب خدا و خاک، پنداز دکتر افغانستان است

هنان، به خون خود، کنش خاموش. نه با لطف غیر

(خلیلی: 1385: 42)

۱۲-۲ دوره از وطن و زنگ غربت

مخصوص غرب و آوارگی، به دنبال اشغال افغانستان، از سوی روس‌ها و مهاجرت مردم به نقاط دور و نزدیک دنیا وارد شعار و ادایات این کشور شد. (جهانی و شفق، ۱۳۸۳: 48)، خلیلی که در آوارگی و دوری از وطن را صیام‌های است، در اشعارش به سناپسه می‌پردازد و آرزوی بارگشت به سرزمین خود را دارد:

ای فداخ خار خواست جان من

دور از تو در تکه‌های آتش است

(خلیلی: 1385: 61)

آو در قصیده «زکم غربت» که به انفجاری قدسی در خشش ازة کرده و سرویده است، دوری از وطن را به نش کذیدن نشته و در کرده، به کنگره‌گر گذاشته را از وطن این فضایی بکه و تأثیرکپیدار توقیف خلیلی در بینا درد و زنگ دوری از وطن است که به این دلیل آغاز می‌شود:

۶۵
هر دم زند به توگرگی جان نیشتر مرا
این چرخ سفاهت که به هر در نشته است
(همان: ۸۶)

۱۳-۱۲-۶۵

ازنگار از وطن فروشی و وطن فروشان

وطن فروشی از جمله موضوعات است که خلیلی نسبت به آن انجام دارد و در جای گاه دیوان خود، وطن فروشان را
سرزنش می کند. در ایبای زیر، او پای زنی را که شوهر ازدواج آوارگان مجازه، را تها گاشته، به حکم‌های کمونیستی
پیوسته است، چنین به تصویر می‌کند:

در بنگین به نو که عزت مادر فروختی
در بزم گیر به دو سه سافر فروختی
(همان: ۴۴۸)

آورگان از این چه کرد بیشتر مرا
آخر نشان همچون خودش دریه در مرا

۱۴-۱۲-۶۵

تماهاز از شهادت و شهدان

دیدگاه خلیلی نسبت به مقام و منزلت شهدان برگرفته از آموزه‌های دینی و فرهنگ اسلامی است. شهدان در اشعار خلیلی
مقام بالایی دارند و تجلیل از خدمات و جان فضانای های آنان، از جمله مسالمه در اشعار وی است؛ به عبراتی دیگر،
"شهید" از پرترکارترین مضامین اشعار خلیلی محصول می‌شود. از نظر او، هر کشتک جنگی را شهید و زندگی جاوید نمی‌توان
نامید؛ اما کشتاری را شهید می‌خواند که در راه ضرایب الهی به این فیض رسدید باشد:

به پیش یا خود خم کر سربیشه فروشان را
به دشمن درس ده هنگه‌ای آزادمردان را
(همان: ۴۴۴)

۱۵-۱۲-۶۵

وا ن شهدان سرآفرز و وطن

خیال می‌باید ناز وطن
(همان: ۷۱۸)

او شهدان را لطف و احسان الهی می‌داند، با تأثیر از آیه‌ای "الهی‌هی‌ها فریبا کند" سبب الله کیالا تنها بی‌ثبات
یزدی‌نشین (آیه عمار: ۱۶۹)، شهدان را زندگان جاودانی می‌شمارد که خود را به شوق یک نگاه جانان (خدا) دها کردند:

 بر شهدان وطن اشک به مزه ای تکنیم
گرده بر زنده فرخنده خندان تکنیم
(همان: ۵۰۲)

۱۶-۱۲-۶۵

نتیجه‌گیری

خلیل الله خلیلی سرآفرز شعر مقاومت افغانستان در دوره معاصر است. دویان اشعار او بر درد و رنج وطن و اوضاع نامساعد
آن آمیخته است؛ در دویان وی حتی بیشتر سرودههایی که مرتبط با دست یابد و به شعرونه نمونه درباره توصیف طبعید است
نیز در نهایت با توصیف حاکی از درد و رنج وطن یا بهداهنی. گزین نیست اگر بگویم که اشعار خلیلی آیه‌هایی از
شدای و غم است؛ با وجود این، یاز هم کفه غم و رنج از اشعار وی به‌سیله‌ی کم. زبان شعری خلیلی گاه صریح و شدید

۶۶
بررسی مفاهیم وطن و دوستی و مقاومت در دیوان خلیل الله خلیلی/ مسلم نادعلی زاده و حوا رحیمی

است و گاه هم از نماد و طنز در آن استفاده شده است. مسائل درخور توجه دیگر تحلیل اشعار شاعری خلیلی و این استکه وطن خواهی عناقیده و هنونه با مسلمانان اش مانند دو بال بک کربی هرکننده خلیلی از لحاظ نگرش افغانستانی یک سازمانی مرتبط با وطن، باید ادتیلاع را پیدا کند و بر آن بوده است تا هم از افتخارات و مظلومیت افغانستانی یک کاندید و هم با بهره‌های دیپی و چشم‌انداز وفادارت بی‌شمار آن بی‌غذاری و که با اجرای یک خشونت و تقد و تحلیل جریان‌های سیاسی و برداشت از آن می‌توان به خاطر دو و نظارتی و افکار خود را علیه سیاست‌های استبدادی و استعماری با زبان شعری پراکنده است. با این شعر خلیلی را می‌توان علی‌رغم نماد مقاومت مدرم افغانستان در دوره سلطنت شوروی به شمار آورند. به همین علت، عشق به وطن، نیاز برای وضعیت‌های وینیزی و منافع اجتماعی و وطنانه شعر خلیلی است.

فهرست معاب

1. آقا‌بخشی، علی‌اکبر و افشاری راد، مینو. (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی. تهران: انتشارات جایهر.

2. امیری خراسانی، احمد (۱۳۸۴)، خالص‌پاشا که، مجموعه مقالات، اولین کنگره ادبیات پاپیتری. کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

3. انوش، حسن (۱۳۸۷). دیدگاه‌های در افغانستان، دانشگاه ادب فارسی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

4. باختی، ساوه، (۱۳۸۲)، دیروز، امروز و آینده شعر افغانستان. مجله شعر شماره ۳۹ صفحه ۷۱-۷۲.

5. بی‌نیا (۱۳۸۳). گزارش‌شناسی زمستان دیروز و آینده شعر خلیلی. نامه پارسی، ش، ۴ صفحه ۶۶-۸۸.

6. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۷). شعر امروز افغانستان. مجله آهنگ، ش، ۳ صفحه ۶۵-۸۴.

7. تراوی، ضیاء‌الدین (۱۳۸۳). هنرستان ادبیات مقاومت. تهران: هنرین حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.


9. چههفالی، رضا، و فتحی، امیری، (۱۳۸۳). خلیلی خلیلی؛ شاعر بی‌پایی و پاپیتری، ادبیات پارسی معاصر، ش، ۴ صفحه ۳۱-۳۲.

10. حسایب‌هور، سعید و حاجی‌خان، احمد (۱۳۸۷). انسام ادبیات پاپیتری در کتاب‌های دنیوی. نامه پاپیتری، به کوشش دکتر احمد امیر خراسانی. تهران: بنیاد حفظ ارزش‌های دفاع مقدس.

د. بهزاد، علی‌اکبر (۱۳۸۷). «لغت‌نامه‌دهخدا»، ج. ۱۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳. سلطان مختار حسینی (۱۳۸۵). «بررسی صور خیال در شعر استاد خلیل‌الله خلیلی»، پاییز نامه‌کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: انتشارات دانشگاه تهران.


۱۵. کرمی، محمد حسین و نصر‌محمد، آرین فیشری (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل جلوه‌های مقاومت و پایداری در شعر عبدالقهر عاصی شاعر معاصر افغانستان»، نشریه ادبیات پایداری، س. ۷، ش. ۱۲ (بهر و تاپستان)، صص ۲۴۱-۲۴۰.

۱۶. محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۸۸). «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب، ادبیات پایداری»، سال اول، شماره اول (پاییز)، کرمان، ص ص ۱۴۳-۱۵۸.

۱۷. مظفری، ابوطالب (۱۳۷۳). «شاعری در جستجوی حقیقت است»، مجله شعر، ش. ۱۳، صص ۸۷-۸۲.

۱۸. مولاپوری، محمد سروس (۱۳۷۸). «به‌پای خلیل‌الله خلیلی»، مجله آینده، ش. ۳، صص ۱۸-۱۸.

۱۹. میریها، ابوالفضل (۱۳۶۳). «دانشمندان و شعری معاصر افغانستان»، بعضا، ش. ۱۸۹، صص ۲۵-۲۸.